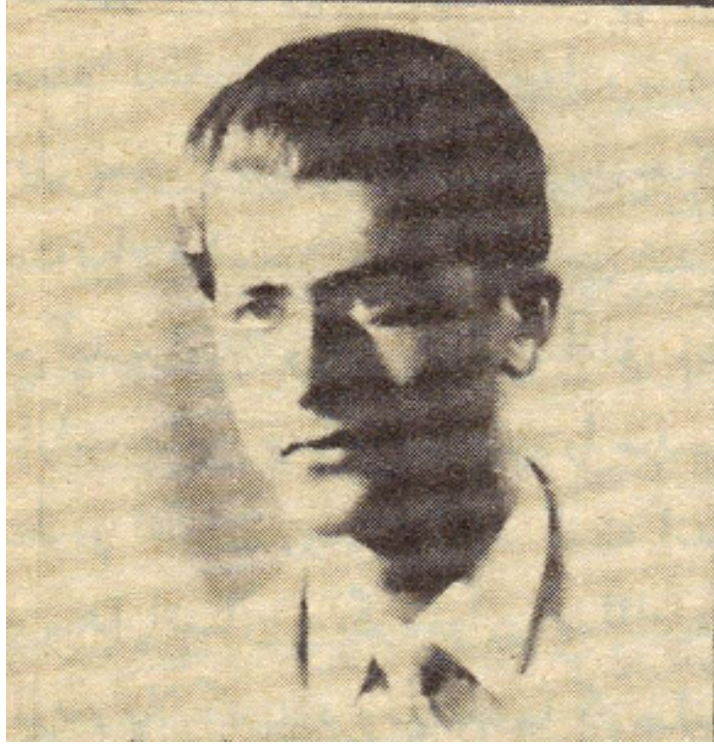


دلاوران رزمنده خلق



یادی از حسن شهید

راه من سرخ است
راه من سرخ است میدانی چرا؟
این ره آزادگان میهن است
این ره فریادوراه شیون است
این ره آزادی و زندگیست
این نه راه ارتجاع و بندگی است
راه من سرخ است
راه من سرخ است میدانی ز چیست؟
اندرین راه رادمردان وطن
خون پاک خویش آگاه ریختند
سرخ کردند راه ما را تا در آن
پیش تازیم از زمین تا کهکشان
راه من سرخ است میدانی چرا؟

اندراین راه مست و شادان میروم
اندراین راه بادل و جان میروم
اندراین راه میروم تا پای جان
اندراین راه میروم تا جاودان

حسن شهید در سال 1318 در شهر باستانی کابل در یک فامیل پیر مرد شیر فروش دیده به جهان گشود. مشارالیه تعلیمات ابتدائی خود را در یکی از مکاتب شهر کابل به پایان رسانید و برای ادامه تعلیمات ثانوی شامل لیسه حبیبیه شد. حسن که فرزند شیر فروش فقیری بود و درآمد پدرش تکافوی احتیاجات اولیه زندگی آنها را نمیکرد در حین متعلمی ستم و استبداد نظام ارتجاعی و سلطنتی حاکم رابه گوشت و پوست خود احساس کرده و برای شانه دادن با پدر خویش در امر اعاشه فامیل در دوکان خیاطی ای بشاگردی مشغول کار شد. جبر روزگار و ضعف اقتصادی باعث آن شد که حسن مکتب را ترک گفت و پیشه خیاطی را اختیار نمود. حسن از ایام جوانی به مسائل اجتماعی - سیاسی علاقمند گردید و با الهام پذیری از رهبران جنبش 7 و 8 شور چون داکتر عبدالرحمن محمودی، سرور جویا، براتعلی تاج و... بمبارزه علیه نظام و درد ورنج اجتماعی پرداخت. وی جوانی بود پر شور و انقلابی، تا اینکه در سال 1344 در سپیده دم قیام سوم عقرب مورد اصابت گلوله های دشمن (رژیم منحوس ظاهرشاه) قرار گرفت و نهال آزادی کشور را باخون سرخ خویش آبیاری نمود.

تظاهرات سوم عقرب در سال 1344 (25 اکتوبر 1965) به وقوع پیوست. این روز یکی از روز های تاریخی جنبش ملی - دموکراتیک کشور ما میباشد. در این روز زمانیکه اهالی شهر کابل بویژه روشنفکران می خواستند داخل پارلمان شوند و سخنرانی و کلارا بشنوند بنا بر امر سردار ولی این سر دسته جنایتکاران و عبدالقیوم وزیر داخله رژیم سلطنتی و صدراعظمی داکتر یوسف پلیس و عسکر رژیم بالای مردم و روشنفکران بیدفاع یورش برده زد و خورد شدید بین مردم و قوای دولتی صورت گرفت که چندین کشته و 65 زخمی بجا گذاشت. دولت سلطنتی ظاهر شاه نماینده کمپرادوران و مالکین بزرگ بعد از اینکه داود جلاد را از مسند صدارت پائین آورد بخاطر اغوا و فریب مردم قانون اساسی قلابی و انتخابات فرمایشی را در سال 1344 براه انداخت تا چند صباحی دیگر به عمر ننگین خویش بیفزاید. ماهیت قلابی قانون اساسی و انتخابات فرمایشی در اولین روز سخنرانی وکلای فاسداین نمایندگان ملاکان و خادمان امپریالیزم و سوسیال

امپریالیسم افشا و هویدا گردید. وکلای خائن و وطن فروش باندهای جاسوس و جنایتکار خلق و پرچم مانند ببرک و اناهی تاکه در چوکی های دولت لم داده بودند و معاش بوجی گکی اخذ میکردند برای مردم نصیحت میکردند که دست از تظاهرات بردارند و میگفتند که ما از طریق پارلمان همه چیز را حل میکنیم. وطن فروشان خلق و پرچم ظاهرشاه را مترقی ترین شاه آسیا خطاب مینمودند و پارلمان فرمایشی را خانه ملت جامیزدند. درجائی مینویسند "صرف نظر از این عامل ذهنی باز به همان اصل اساسی استناد مینمائیم که شرایط و موقعیت افغانستان فوق العاده حساس بوده و کوچکترین ماجراجوئی و اعمال خلاف قانون از جانب هرکس که باشد منافع ملی کشور را به مخاطره خواهد انداخت. مادشمن آشتی ناپذیر ایجاد کنندگان چنین اوضاع خوائیم بود "

(جریده خلق شماره ششم صفحه دوم)

بلی! کسانیکه دیروز به امر بادر خویش در خدمت رژیم سلطنتی ظاهرشاه قرار داشتند و هر گونه تظاهرات روشنفکران و کارگران را بنام مخاطره انداختن منافع ملی محکوم میکردند بلاخره با کودتای ننگین 7 ثور و کشت و کشتار بیش از دو ملین مردم کشور و بربادی و ویرانی کشور ثابت ساختند که دشمن آشتی ناپذیر مردم بوده نوکران و خادمان امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم میباشد. امروز باز هم باندهای خلق و پرچم در شورای اداره مستعمراتی کرزی مصروف خدمتگذاری بوده و قوانین ضد ملی و منافع مردم افغانستان را در شورای فرمایشی اداره مستعمراتی صحه میگذارند و به پای آن امضا میگذارند. دفاع از آزادگان و دلاوران رزمنده خلق وظیفه تمامی نیروهای ملی و انقلابی کشور است. شهدای آزاده و انقلابی کشور! قطره قطره خون شما قابل محاسبه و باز خواست است. جنبش انقلابی خلق افغانستان هیچگاهی خون های پاک و ریخته شده ای شمارا فراموش نخواهد کرد. بگذار عده ای از تسلیم طلبان و کاسه لیسان در گاه ارتجاع به پابوسی امپریالیسم قامت خم نمایند و مشق دموکراسی سردهند. سر انجام پیروزی از آن ستمدیدگان افغانستان و جهان خواهد بود.

فوران

25/10/2007

در این نذشته از شماره 27 سال 1359 نشریه 23 ثور استفاده شده است